

بسم الله الرحمن الرحيم

۹۸, ۰۸, ۲۸-۰۲۶

درس خارج اصول

نظریه حضرت امام ره در میز علوم

در بحث های گذشته مباحث مرحوم آخوند تمام شد و به مباحث امام ره رسیدیم بحث اولی که در فرمایشات امام ره مطرح بوده است مساله میز علوم است همان طوری که آخوند در مساله میز علوم وارد شده است و عبارت آخوند خوانده شده است امام ره در مساله میز علوم یک بحث و نظریه ایی از ایشان مشهور شده بنام نظریه سنخه که میز علوم به سنخه ی قضایای هر علم است عمده ی مساله این است که این مساله سنخه را از نظر امام ره بررسی نماییم

یکی از بهترین توضیحاتی که در مورد سنخه ی امام ره مطرح شده فرمایش استاد بزرگوار آیت الله فاضل رضوان الله علیه است.

توضیح آیت الله فاضل ره در مورد نظریه سنخه حضرت امام ره

ایشان در توضیح نظریه امام ره مطالب خوبی دارند که مثلا امام ره اعتقاد دارند که الفاعل مرفوع و المفعول منصوب اینها یک شبهات ذاتی با هم دارند اسم این شبهات ذاتی سنخه است و این شباهت ذاتی است که جهت وحدت اینهاست

تعبیر ایشان در توضیح همین است که می فرماید ما یک شباهت ذاتی در نتیجه بین تمایز علوم و جامع مسائل هر علم که از آن به وحدت علم تعبیر می شود در رابطه با سنخیت ذاتی است که بین مسائل هر علمی وجود دارد و بین آن مسائل و مسائل علم دیگر وجود ندارد بعد هم توضیح می دهند که فاعل مرفوع و مفعول منصوب این است .

اشکال به نظریه سنخه

بعد هم در مقام اشکال مطرح می کنند که این سنخه به کجا می خورد و بعد هم دفاع می کنند که این سنخه یا برای محمول است یا برای موضوع ، وقتی به موضوع بخورد می شود میز به موضوعات مسائل و اگر به محمول خورده می شود میز به محمولات مسائل ، بهر حال برخی گفته اند میز به جامع موضوعات است و برخی ها هم مثل مرحوم بروجردی گفته اند میز به جامع محمولات است مثلاً شما در فلسفه راجع به موجود صحبت می کنید ، موجود محمول است یا در اصول راجع به حجت صحبت می کنید و حجت هم محمول است می گوئید خبر واحد حجة یا ظهور حجة ، پس جامع موضوعات نیست و جامع محمولات است مستشکل می خواهد بفرماید که سنخه یعنی جامع موضوعات می شود حرف قائلین به میز به موضوع ، یا اینکه سنخه یعنی جامع معمولات است می

شود حرف قائلین میز به محمولات ، کدام است ؟

نسبت هم قاعدتا در قضیه وجود دارد اما مندرک در اطراف است ، نسبت هم که محل بحث نیست لذا شما وقتی می خواهید سنخه یک قضیه را با قضیه دیگری بررسی کنید یا موضوعات یا محمولاتش را بررسی می کنید یا اینکه نسبت است پس چطور حضرت امام ره فرمودند این سنخه و شباهت این علم با علم دیگر ، مایز است ؟

ایشان توضیحاتی رو بیان می فرمایند ما قبلا ذیل صحبت آخوند گفتیم که غرض بر موضوع بار نمی شود که این کلام خوبیست و ما هم دفاع کردیم بعضی ها فکر می کنند که غرض بر موضوع مساله بار می شود فکر می کردند آخوند دنبال الواحد است و الواحد هم می گوید موضوع وجود دارد موضوع در مساله است بعد غرض و اثر هم بر موضوع بار می شود بعد خواستند با اثر تکلیف موضوع را مشخص نمایند ایشان می فرمایند به مشهور گفتیم که غرض سر موضوع بار نمی شود غرض سر مجموع مساله بار می شود لذا آخوند می فرمود شما یک اثر بر این مساله دارید و یک اثر بر مساله دیگری دارید و یک اثری هم بر مساله سوم دارید و یک اثری بر مجموع مسائل دارید این بحث سر مسائل بود و سر موضوع مساله نبود .

پاسخ آیت الله فاضل ره به این اشکال

مرحوم آیت الله فاضل رضوان الله علیه می فرماید قبلا در بحث با آخوند و مشهور گفتیم که غرض و اثر مربوط به موضوع مساله نیست بلکه مربوط به مجموع مسائل است با این مقدمه می خواهد بفرماید سنخه که امام ره فرموده مربوط به موضوع یا محمول یا نسبت به تنهایی نیست سنخه برای مجموع مساله هست خواسته اند این جور از نظریه امام ره دفاع کنند .

بر این اساس توضیحی می دهند که امام ره فرموده مجموعه الفاعل مرفوع و المفعول منصوب و المضاف مجرور اینها با هم یک شبهات ذاتی دارند بعد ایشان خواسته بفرمایند که بر همین اساس بعضی ها ممکن است بگویند این سنخه معلول غرض است ، غرض است که این سنخه را ایجاد کرده است ، ایشان می فرماید که حرف بدی نیست و این حرف درستی است ولی مساله ما این است که ما یک برهان لمّی داریم و یک برهان ائی داریم یک بار کسی از علت یعنی غرض به سنخه می رسد ، لم می شود یعنی از علت سمت معلول برویم یک بار هم یکی از سنخه به غرض می رسد یعنی از معلول به علت می رسد .

ما ممکن است قبول داشته باشیم که در مقام تحقق سنخه از طریق غرض تحقق پیدا می کند آن غرض واحد است که سبب می شود

که مسائل علم نحو یک شباهت ذاتی با
مجموع مساله پیدا بکند (فرمایش مرحوم
فاضل رضوان الله علیه ره) اما در عالم
استدلال باید دید کدامیک روشن تر است.

ایشان می فرماید که واقع مساله این
است کسی که غرض علم نحو را نداند چیست
یعنی اصلا ادیب نباشد وقتی نگاه می کند
به الفاعل مرفوع و المفعول منصوب می
بیند که شباهت ذاتی دارند یعنی این
شباهت ذاتی روشن تر از غرض است چون
روشنتر از غرض است آن موقع می شود
برهان *إنَّ* بر غرض، یعنی شما از این
شباهت ذاتی به غرض می رسید

لذا یک دفاعی از نظریه امام ره می کنند
که وقتی می فرماید سنخه اولاً منظور
شباهت ذاتی مجموع مساله با مجموع مساله
دیگر است شبیه غرضی که بر مجموع مساله
بار می شود نه بر موضوع به تنهایی یا
محمول به تنهایی بار می شود .

ثانیا این شباهت ذاتی به جهت اینکه
روشنتر از غرض است در رتبه سابق بر غرض
میز را درست می کند و ما نیازی به
استفاده از غرض نداریم

و بعد نتیجه می گیرند و می فرماید
زیرا آنچه که برای ما روشن است و راه
کشف غرض است همین سنخیت است می خواهند
بفرمایند که کشف غرض از طریق سنخیت

صورت می گیرد یعنی ابتدا که با مسائل علم برخوردار می کنیم ذهن ما متوجه غرض نمی شود بلکه با مشاهده مسائل می بینیم که بین آنها سنخیت وجود دارد هر چند که این سنخیت در رابطه با غرض است لَمَّش غرض است ولی اِنِّش سنخیت است ، بنظر می رسد که کلام حضرت امام ره کلام خوبیست و بعد این را ترجیح می دهد.

دو نکته آیت الله فاضل ره ذیل فرمایش آخوند ره

این توضیح آیت الله فاضل رضوان الله علیه بهترین توضیح فرمایش امام ره است در بین تلامذه امام ره ، حضرت آیت الله فاضل رضوان الله علیه در ذیل فرمایش آخوند که میز به غرض قائل شده باز در همین فضا دو نکته دارد که این دو نکته باز به تحلیل امام ره را کمک می کند در پایان فرمایش آخوند می فرماید محور بودن تمایز اغراض در مسائل تمایز علوم در صورتی صحیح است که دو مقدمه زیر ثابت شود:

مقدمه اول اینکه هر علمی غرض واحدی داشته باشد و اگر کسی این مقدمه را نپذیرد معنا ندارد که تمایز علوم را به تمایز اغراض بداند . اگر هر علمی یک غرض داشت ما می توانیم میز به غرض قائل بشویم

مقدمه دوم این است که که قبل از مساله
غرض جهت دیگری وجود نداشته باشد که
بتواند ملاک تمایز علوم قرار بگیرد یعنی
همین کلام امام ره ، کسی ممکن است بگوید
ما قبول داریم که هر علمی دارای غرض
واحد است ولی قبل از مساله غرض جهت
تمایز بین علوم وجود دارد که نوبت به
غرض نمی رسد می خواهد منظور امام ره را
برساند که چون سنخه در رتبه سابق بر
غرض مساله را حل می کند دیگر نوبت به
غرض نمی رسد این همه ی فرمایشات حضرت
آیت الله فاضل رضوان الله علیه ره است که می
خواهد بین کلام امام ره و مرحوم آخوند
فرق قائل شود که آخوند قائل به غرض است
و امام ره قائل به سنخه است تقدم و
تاخرشان هم انّی است و لمی نیست ، تقدم
سنخه بر غرض از طریق برهان انّ است مثل
جایی که معلول واسطه ی اثبات در علت
است اما کأنّ آخوند خواسته غرض را واسطه
ی میز کند.

اما امام ره می فرماید نه ، معلول یعنی
سنخه ولو اینکه معلول غرض است اما روشن
تر و واضح تر است و کسی که به این قضیه
و قضیه دیگر نگاه می کند مسانخت اینها
را راحت متوجه می شود و برای این فهم
نیازی به این هم ندارد که دنبال علت
برود که غرض است

اشکال اصلی فرمایش آیت الله فاضل رضوان الله علیه این است که ایشان فرق بین یک مساله و مسائل را لطف فرموده اصل گیر ایشان این است اگر این گیر نبود بقیه مطالب حل شدنی بود .

کسانی که قائل به موضوع هستند می گویند موضوع یعنی یک واقعیتی که این واقعیت در متن واقع عوارضی دارد این واقعیت هر چه که باشد مثلا کم متصل در واقعیت یک عوارضی دارد و اسمش را عرضی ذاتی کم متصل گذاشته اند حالا به هر ملاکی، یا بی واسطه می آیند یا واسطه ی مساوی دارند یا واسطه در عروض ندارند یا اخذ در حد هستند اصلا کاری به ملاکش نداریم اصل مساله این است که یک واقعیتی داریم بنام کم متصل که عوارض ذاتی خودش را دارد آنهایی که می گویند موضوع ، می گویند این عوارض ذاتی را شما بدانید یا ندانید، قضیه تشکیل بدهید یا ندهید ربطی به این مطلب ندارد یک واقعیتی وجود دارد که محمول و عرض خودش را دارد آنها این را موضوع و عرض ذاتی می گویند .

[ریشه این بحث در نظر حضرت امام ره و علامه ره](#)

امام ره و علامه ره می فرمایند که این بحث موضوع را که منشأش از ابوعلی سینا است در مورد واقعیت های خارجی ، نه بحث های اعتباری گفته است یعنی یک چیزی در واقع وجود دارد که کاری به من هم ندارد

که واقعا عوارض ذاتی خاص خودش را دارد
حالا در هندسه ، شیمی ، ریاضی و فیزیک در
همه اینها است یک واقعیتی است اگر
مساله عرض ذاتی این باشد که عرض ذاتی
این است و این ارتباط را دارد حضرت آیت
الله جوادی در حقیق یک اشاره ایی ذیل همین
بحث موضوع و عرض ذاتی دارند تذکری
دارند اینکه من می گویم موضوع و عرض
ذاتی دارم من وجود واقعی موضوع و وجود
واقعی آن اعراض ذاتی را قائل هستم اما
وقتی در وعاء مساله یا در وعاء مجموعه
مسائل میروم ، من برای مجموعه مسائل
وجود تکوینی نمی توانم درست کنم چون
مجموعه مسائل یک مرکب اعتباری است ،
لذا تعبیر آیت الله جوادی این است که می
فرماید بین وجود واقعی داشتن موضوع و
بین علم کوینی داشتن به عنوان علم
مجموعه مسئله فرق است ، استدلالی که ما
برای وجود موضوع می آوریم و موضوع و
عرض ذاتی را اثبات می کنیم این ربطی به
علم مجموعه مسائل که مرکب اعتباری است
ندارد و آن را درست نمی کند آنچه که
درست می شود این است که یک واقعیتی در
خارج داریم و محمولات و عوارضی دارد اما
اینکه یک مرکب اعتباری بنام مجموعه
مسائل داشته باشیم که نداریم .

لذا می فرماید بین معلوم که یک واقعیت
تکوینی است که دارای عوارض تکوینی خاص

خودش است و بین علم بعنوان مجموعه مسائل فرق بگذاریم علم بعنوان مجموعه مسائل یک مرکب اعتباری است اگر کسی این را یاد گرفت می گوید من وقتی با موضوع واقعی در علوم حقیقی دارم کار می کنم آن موضوع واقعی و عوارض واقعیش سبب نمی شود که مجموعه مسائل یک واقعیت خارجی پیدا کند وقتی با موضوع اعتباری دارم کار می کنم مثلاً با کلمه (در علم نحو می گویم کلمه و کلام) نسبت کلمه با فاعل و مفعول مثل نسبتش با کم متصل با خط نیست کلمه قراردادی است و فاعل قرار دادی است اما کم متصل با خط و سطح و حجم واقعیت خارجی هستند اما نسبت کلمه با فاعل اینطوری نیست اما نسبت صلاة با فعل مکلف اینطوری نیست چون صلاة یک مرکب اعتباری است اگر صلاة یک محمولی بنام وجوب پیدا کرد که وجوب یک محمول اعتباری بود خوب این فرق می کند با خط مستقیمی که یک محمولی ونسبتی با کم متصل دارد این درست است علوم اعتباری با علوم حقیقی در ارتباط با معلوم با هم فرق دارند در علوم حقیقی معلوم خارجی دارای عوارض خارجی واقعی مطرح است در علوم اعتباری معلوم خارجی که دارای عوارض خارجی واقعی باشد منتفی است .

اما همین علوم اعتباری و حقیقی که در ارتباط با واقعیت خارجی با هم فرق دارند تو مجموعه مسائل عین هم هستند مجموعه مسائل چه در علم حقیقی و چه در علم اعتباری وجود اعتباری دارند اصل بحث این است که اگر کسی بین علم بعنوان معلوم خارجی و بین علم بعنوان مجموعه مسائل فرق گذاشت اگر این فرق را قائل شد بعد نتیجه می گیرد اختلاف بین علوم حقیقی و اعتباری در معلوم خارجی است که یک جا وجود دارد و یک جا وجود ندارد اما در یکجا معلوم خارجی است و در یک جا نیست اما علم بعنوان مجموعه مسائل مثل هم هستند .

اگر این فرق را کسی بپذیرد (که بهترین بیان از شاگردان امام ره آیت الله جوادی است) اشکال ما به ایشان این هست که باید میفرمودند این کلام امام ره است و بگوید این بیان امام ره است آن وقت من وقتی می خواهم مساله میز را مطرح کنم امام ره حرف اولش این است که می فرماید علم بعنوان مجموعه مسائل [واحد بالاعتبار] یعنی وحدتش اعتباری است و میزش اعتباری است اگر امام ره این را ثابت کرد که علم بعنوان مجموعه مسائل [سواء كان معلومه حقیقیا او معلومه اعتباریا سواء تعلق بمعلوم حقیقی له عوارض حقیقه او تعلق بمعلوم اعتباری لم

یکن له وجود حقیقی و خارجی] ولی علم بعنوان مجموعه مسائل محل بحث ما شد امام ره می فرماید این علم بعنوان مجموعه مسائل [واحد بالاعتبار و متمیز فی وعاء الاعتبار] اگر حرف اصلی امام ره این باشد اما متأسفانه این بخش بیان امام ره در فرمایش آیت الله فاضل رضوان الله علیه نیست کما اینکه یک کم لطفی هم نسبت به فرمایش مرحوم آخوند دارند ، آخوند فرموده که حتما باید یک غرضی وجود داشته باشد آخوند فرموده اگر دوتا غرض هم بر صد تا مساله بار بشود باز یک علم هستند چون عقلاء می گویند نمی شود دو علم باشند

آنچه که در فرمایشات استاد نیست تفکیک بین این حیث مرکب از آن واقعیت خارجی و توجه به اینکه در مرکب بما هو مرکب ، من یک وحدت اعتباری و میز اعتباری دارم و این مرکب بما هو مرکب ، آخوند می فرماید این تدوین و تسمیه اش، عبارت این بود: **[تدوین علمین و تسمیتهما باسمین]** عقلایی است.

اگر امام ره مثل مرحوم آخوند دنبال تدوین و تسمیه در مرکب برود این کاری به شباهت یک قضیه با قضیه دیگر ندارد اگر این طور بشود نتیجه اش برعکس فرمایش استاد آیت الله فاضل رضوان الله علیه خواهد بود آنوقت غرض راه شناخت جامع می

شود نه اینکه راه شناخت غرض ، سنخه باشد ایشان کلام امام ره را کاملاً بر عکس فهمیده است بله اگر من بخواهم مساله ها را با هم یکی یکی ، جدا جدا بررسی کنم یک حرفی ، ایشان سنخه را که می خواهد بگوید می بردش سر مقایسه الفاعل مرفوع و المفعول منصوب.

بنده که راجع به میز صحبت کنم می گویم این صد مساله ایی که به آن نحو گفته می شود که یک علم تدوین می شوند و به یک اسم تسمیه می شوند حضرت آیت الله فاضل رضوان الله علیه کلام استادش حضرت امام ره را خراب کرده است با اینکه دفاع هم می کنند و اختیارش هم می کند و همچنین کلام آخوند را هم خراب کرده اند .

اگر توجه کنند که من در ارتباط با مرکب به حیثیت اجتماع قضایا دارم بحث می کنم و این حیثیت اجتماع قضایا واحد بالاعتبار و متمیز فی وعاء الاعتبار ، امام ره می فرماید که وجود و وحدت و میزش اعتباری است و تا ما اعتبار نکنیم شباهت موجود به آن وجودت نمی دهد میز به آن نمی دهد باید اعتبار کنم و چه چیزی را اعتبار کنم که این را جدا کند ؟ چیزی که می خواهید اعتبار کنید یعنی معتبر شما چیزی است که این کثرت و وحدت به آن می دهد و این تشطت را تبدیل به وحدت می کند بعد امام ره بر همین معتبر

تکامل تدریجی علم را هم سوار کرده است
تکامل علم درست می شود و تعدد گزاره ها
درست می شود کثرت و قله گزاره ها مضر
نیست هر کسی می خواهد نسخه را معنا کند
باید این طور در فضای فرمایش امام ره
معنا کند این اصل مساله است دوتا از
شاگردان امام ره در مورد این بحث کردند
که یکی آیت الله جوادی بود که عرض کردم و
یکی هم شهید مطهری است که یک جا به آن
اشاره کرده و چون حیث مرکب را ندیده ،
گفته که غرض بهتر است استاد ما آیت الله
فاضل هم که بیان فرموده نمی دانیم سر
مرکب اعتباری بما اینکه مرکب است
نمانده است این واحد بالاعتبار و میز
بالاعتبار در فرمایش ایشان نیست لذا در
عالم اثبات میز را به نسخه داده است و
گفته انّی است عبارت ایشان را در اصول
فقه شیعه و در موسوعه ملاحظه بفرمایید
که این اختلاف را در بیاوریم .

حرف مهم ما این است که امام ره فرموده
ما در مرکبات یک میزی داریم غیر از میز
به موضوع و غرض است و این میز در رتبه
خود مسائل باید شکل بگیرد با جامع ، و
متاسفانه در فرمایشات آقایان این وجود
ندارد .